مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۵، بهار تابستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ٢٤

DOI: 10.22067/jlkd.2021.69640.1022

بررسی فرایندهای آوایی در گویش آباده طشک در مقایسه با فارسی معیار با استفاده از واج‌شناسی زایشی

فرانک رمضانی (استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران)

صص: ۲۹۷-۲۷۵

چکیده

زبان به عنوان یک ابزار ارتباط و گویش‌های به عنوان بخش‌های در معرض تغییر و تکامل یک زبان همواره مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند. از نظر زبان‌شناسان، عوامل جغرافیایی و اجتماعی در بروز و پیدایش گویش‌ها تاثیر دارند. گردآوری و مستندسازی گویش‌های محلی، برای طبقه‌بندی گویش‌های ایران، و تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی اهمیت بسزایی دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تطبیقی ساختار دستوری-واژگانی دو گونهٔ زبانی لری آباده و فارسی نو است و داده‌ها در این پژوهشِ کیفی به روش پرسشنامه و از طریق مصاحبه با گویشوران این دو گونهٔ زبانی و نیز منابع معتبر گردآوری شده‌اند. در حقیقت این پژوهش می‌کوشد تا با مقایسهٔ ساختار دو گویش لری آباده و فارسی نو نشان دهد که ساختار واژگانی و آوایی آن‌ها چگونه است و در گذر زمان دستخوش چه تغییراتی شده‌اند؟ با بررسی و تحلیل واژه‌های گویشی، برخی ابهامات متون فارسی نوشته شده به خطوط ایرانی با خط عربی-فارسی نیز برطرف می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که ساخت آوایی گویش آباده (لری) به لحاظ دستوری و واژگانی با فارسی نو پیوند نزدیکی دارد.

کلیدواژه‌ها: تغییر آوایی، آباده طشک، زبان فارسی، فرایندهای آوایی، گویش‌شناسی

تاریخ دریافت :۱۴۰۰/۰۱/۱۵   تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

پست الکترونیکی: 1. faranakramezani@yahoo.com

۱. مقدمه

زبان مهم‌ترین ابزاری است که انسان برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌کند. زبان از ابتدا به این گونه و شکل نبوده و به دلایل گوناگون دگرگونی‌های فراوانی را پذیرفته‌است و گویش‌ها و زبان‌های متعددی از آن به وجود آمده‌اند. ساختاردستوری واژگانی گویش آباده طشک از زبان‌های ایرانی باستانی و میانه و فارسی تاثیر فراوانی پذیرفته‌است.

در طول تاریخ، پیوسته عوامل بسیاری سبب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زبان‌های گوناگون بر یکدیگر بوده‌اند. علاوه‌بر رابطهٔ تنگاتنگ و اشتراک‌های فراوانی که بین زبان‌های یک خانوادهٔ زبانی هست، کم‌تر زبانی یافت می‌شود که از این اثرگذاری و اثرپذیری در امان بوده باشد. گویش‌های ایرانی بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور هستند و نگهداری و نگهبانی و بهره‌برداری از این گویش‌ها به عهدهٔ کسانی است که به فرهنگ‌ها و زبان‌های ایرانی دلبستگی دارند.این گویش‌ها، همچون آیینهٔ تمام‌نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنهٔ وسیعی از ایران زمین می‌زیستند و به‌راستی سرمایهٔ ارزشمندی است که در بردارندهٔ هویت ملی ماست. گویش لری آباده طشک از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است. آباده طشک جزو استان فارس که در شرق شهر شیراز، شهری است واقع در ساحل دریاچه بختگان (دریاچه‌ای نمکی به مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع) و دریاچهٔ طشک در استان فارس، بین شهرستان‌های آباده، مرودشت، شیراز، استهبان و همچنین بخش مرکزی محدود است که به مناسبت یکی از روستاهای نزدیک آن به نام «طشک» و به‌دلیل مجاورت دریاچهٔ نرگس یا طشت به این نام معروف شده است.گویشی که مردم آباده طشک با آن سخن می‌گویند، برگرفته از گویش لری است وگویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است.

شایان ذکر است که دو گونهٔ زبانی لری و فارسی (زبان لری و زبان فارسی) دنبالهٔ زبان فارسی میانه هستند. امروزه گونهٔ زبانی لری آباده طشک کمابیش در حال منسوخ‌شدن است و هر چند این گونهٔ زبانی در لهجهٔ فارسی گویشوران آباده طشک اثرگذار بوده است، اما گویش لری آباده فاقد گویشور بومی شده است. امروزه-عواملی مانند قدرت‌گرایی، تغییرات آوایی، آمیخته شدن مراتب زبانی، آمیخته شدن زبان شکسته با زبان ادبی، سلطهٔ زبان قدرت و ترجمه‌های ضعیف و غیرعلمی که تهدیدی برای زبان فارسی و گویش‌های محلی به‌شمار می‌روند، سبب زوال و نابودی برخی گونه‌های زبانی همچون گونهٔ لری آباده شده‌اند. یکی از

دلایل اصلی زوال زبان‌ها و گویش‌ها در عصر کنونی عدم استفاده یا استفادهٔ محدود از آن‌ها در میان قشر جوان و تحصیل‌کرده است. راه حل ایـن تهدیـدها در آن اسـت تـا حـق شـناخت و استفاده دقیق از زبان و گویش‌ها را ادا کنیم و سرمایهٔ بزرگ فرهنگی، ادبی و شعر حفظ شود و زبان فقط در عرصهٔ ادب استفاده نشود و کاربردهای دیگری هم از آن به عمل آید.

اولین کوشش در راه شناخت و بررسی ماهیت گویش آباده طشـک آن اسـت کـه نخسـت، واقعیت‌ها و پدیده‌های عینی و محسوس زبانی، گردآوری شـده، طبقـه‌بنـدی و فهرسـت‌بنـدی شوند. «گویش» یک گونهٔ زبانی است کـه عـلاوه بـر تلفـظ، در انتخـاب واژگـان ونیـز قواعـد دستوری با دیگر گونه‌های آن زبان تفاوت دارد. گویش‌های محلـی، پشـتوانه‌ای بـرای زبـان و ادبیات رسمی کشوربه شمار می‌روند. چه بسا انتقال واژه‌های محلی به فرهنگ رسـمی جامعـه، نیازمندی‌های جدید را به بهترین روش پاسخ گوید، و دستگاه‌هایی همچون: فرهنگسـتان‌هـا را از کاربرد جدید واژه‌ها بی نیاز می‌کند. زبان هر سرزمین برگرفته از فرهنگ و تمدن و حـوادث و اتفاقاتی است که در آن رخ داده، و آن را مورد تـأثیر خـود قـرار داده اسـت. مهـاجرت‌هـای متقابل، دادوستد با همسایگان و جنگ‌ها، همگی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری زبان هر سرزمین دارند.

گویش‌ها و لهجه‌های هر زبان، کارآمـدترین ابـزار در بررسـی و زنـده نگـه‌داشـتن زبـان و فرهنگ است که به‌دلیل ویژگـی آزاداندیشـی و نگـاه غیررسـمی، کمتـر دسـتخوش دگرگـونی می‌شوند. لهجه‌هایی که امروزه در روستاها و شهرهای کوچک دورافتاده دارای گویشور هستند، بیشتر بازماندهٔ زبان‌های باستانی و محلی ما هستند، و برای بررسی‌های زبـان شناسـی ارزنـده و پر ارج است.هدف پژوهش حاضر، درواقع، بررسی مقایسه‌ای سـاختار دسـتوری–واژگـانی دو گونهٔ زبانی لری آباده و فارسی می‌باشد.

گردآوری و مستندسازی گویش‌های محلی، برای طبقه‌بندی گـویش‌هـای ایـران، و تـدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی اهمیت بسزایی دارد. با بررسی و تحلیل واژه‌های گویشـی، برخـی ابهامات متون فارسی نوشته شده به خطوط ایرانی با خط عربی–فارسی نیز برطـرف مـی شـود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم می‌تواند از واژه های گویشی، به ویـژه اصـطلاحات محلـی پیشه ها در معادل سازی بهره گیرد. افزون بر این، با توجه به این که فرهنگ عامه، عمدتاً جنبـه زبانی دارد، مردم شناسان نیز می توانند از دستاوردهای این تحقیقات استفاده کننـد. در روزگـار

کنونی به سبب گسترش فن آوری نوین ارتباطات، بسیاری از گویش های ایرانی خاموش شده اند و بسیاری دیگر، رو به فراموشی سپرده شده و کم کم جای خود را به فارسی رسمی می‌دهند. پس جا دارد تا هر چه سریع تر در جهت شناسایی و مستندسازی این میراث معنوی گام برداریم، تا هم زمینه تحقیق برای دانش پژوهان امروزی فراهم شود و هم نسل آینده بتواند از این داده‌ها در مباحث علمی استفاده کنند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰).

همچنین فرایند جهانی شدن در دنیای امروز موجب شده است که انسان‌های روی زمین همه به سوی داشتن فرهنگی یکسان پیش بروند، به طوری که خوراک و پوشاک و طرز تفکر و عادات و رسوم جوامع مختلف تقریبا همسان شده است. در نگاه اول این همسانی یا جهانی شدن امری پسندیده و خالی از اشکال به نظر می‌رسد، اما به عقیده بسیاری از صاحبنظران همسانی فرهنگی و فکری، تنوع تفکر و اندیشه را از بین می‌برد و خسارات جبران ناپذیری به اکوسیستم انسانی وارد می سازد و لازم است نسبت به مغلوب شدن خرده فرهنگ‌ها و زبان‌های اکثر جوامع جهان در مقابل فرهنگ‌ها و زبان‌های جوامع دارای فرهنگ غالب واکنش نشان دهیم. از همین رو، مرگ یک گویش را می‌توان در حکم مرگ یک فرهنگ دانست (پرمون،[1] ۱۳۹۱: ١٤).

حفظ گویش‌های محلی در کشورمان، به خصوص گویش‌هایی که در خطر نابودی هستند، ضروری به نظر می‌رسد. ساختار گویش آباده طشک از زبان های ایرانی باستانی و میانه و فارسی تاثیر فراوانی پذیرفته است. فرایندهای واجی موجود در گویش آباده طشک به دلایل گوناگونی از جمله: کم سوادی گویشوران، ساده تر شدن واژه ها و ردپای به جا مانده از زبان های باستانی و میانه ایجاد شده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با مقایسهٔ ساختار دو گویش لری آباده و فارسی نو نشان دهد که ساختار دستوری و واژگانی آن‌ها چگونه است و در گذر زمان دستخوش چه تغییراتی شده‌اند؟

۲.پیشینه پژوهش

زارع و دمیری، (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مقابله فرآیندهای واجی لهجه آباده طشک و زبان فارسی معیار در قالب نظریه بهینگی» پرداختند. هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل چند

1- Permon

فرایند واجی پرکاربرد در لهجه مربوط به آباده طشک در قالب نظریه بهینگی واج شناسی است. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و در جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور ۵ ساعت مکالمه تلفنی گویشوران مونث سنین بین ۳۰ تا ٦۰ سال ضبط گردیده و سپس این آواها طبقه‌بندی و آوانویسی شده است. سپس با تجزیه تحلیل داده‌ها در قالب اصول واج‌شناسی بهینگی محدودیت‌های حاکم بر صورت‌های بهینه در لهجهٔ آباده طشک مشخص شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صورت‌های بهینه لهجه آباده طشک غالبا محدودیت‌های نشانداری بر صورت‌های بهینه حاکم است.

امیری و زارعی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی واج شناسی گویش آباده‌ای» نوشته‌اند. هدف مطالعه حاضر بررسی ساخت واجی گویش آباده ای (از گویش های استان فارس) است. برای این منظور، از گویشوران سالخورده و مناسب برای مطالعه (با حداقل چهار دندان پیشین بالایی) و مقیم آباده مصاحبه‌هایی انجام و یادداشت‌ها و مطالب ضبط شده بررسی شده است. در این پژوهش، سؤالاتی درباره همخوان‌ها و واکه‌های موجود در گویش آباده‌ای و فرایندهای واجی و ساختمان هجا مطرح و پاسخ گفته شده است. در گویش آباده‌ای، همانند فارسی معیار، ۲۳ همخوان و ۸ واکه وجود دارد و آهنگ جمله و الگوی تکیه در این گویش همانند فارسی معیار است. تعدادی فرایند واجی نیز می وان یافت که در متفاوت کردن واژه‌های آباده‌ای از دیگر گویش‌ها نقش دارند. برخی از این فرایندها عبارتند از: همگونی و ناهمگونی، همخوانی، افزایش، حذف، قلب و ابدال.

۳. روش پژوهش

ماهیت روش‌شناختی پژوهش حاضر که از نوع کیفی است، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از روش میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران دو گونهٔ زبانی گردآوری شده‌اند. در این مصاحبه تعداد سی نفر در سنین سی تا شصت سال، ساکن در منطقه آباده طشک، در یک بازه زمانی پنج روزه شرکت کردند. برای اطمینان بیش‌تر و رسیدن به نتایج بهتر، در هنگام نیاز، از منابع مکتوب بهره برده شده است. تعداد بسیاری واژه و عبارت و جمله از گویش آباده طشک و با کمک گویشوران منطقه گردآوری شد. پس از تحلیل واژه‌ها و عبارات، واج های این گویش استخراج و طبقه بندی شده و سپس، از نظر دستوری، واژگانی و آواشناسی مورد بررسی قرارگرفتند.

٤. مبانی نظری پژوهش

٤.١.گویش

اگر زبان را به صورت مجموعه ای در نظر بگیریم، گویش عضوی از این مجموعه است که جدا از برخی از تفاوت ها و تغییرها، تمامی ویژگی های زبان را در خود دارد. در تعریف گویش چنین می‌گویند "نظام زبانی خاصی که در ناحیه جغرافیایی ویژه ای مورد استفاده قرار می گیرد و از نظر دستوری و واژگانی با زبان معیار کاملا متفاوت باشد به طوری که بدون آموزش درک آن میسر نگردد. مانند گویش کردی، گویش آذری، گویش گیلکی". (صفوی، ١٣٦٠. ١٢، ٣٧، ٤٠) در این جا ممکن است برخی به اشتباه گویش را با لهجه یکی بدانند؛ به این دلیل که گویش، همان طور که از تعاریف برمی آید، مانند زبان ساختار آوایی، دستوری و واژگانی خاص خود را دارد؛ در صورتی که لهجه تنها تفاوت آوایی میان دو گونه زبانی است.

"گویش به تفاوت های لغوی، دستوری و تلفظی میان دو گونه زبانی گفته می شود. گویشها نیز همچون زبان ها در پی عوامل گوناگون و نیازهای جوامع به وجود آمده‌اند؛ عواملی مانند شرایط جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی و غیره. با توجه به این که گویش ها زیر مجموعه زبان ها شمرده می‌شوند، بدون شک از آن ها منشعب شده اند". (همان، ٢١).

گویشی که مردم آباده طشک با آن سخن می‌گویند، گونه‌ای از گویش لری است وگویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است و از نظر آوایی با این زبان ها بسیار نزدیک است به طوری که می توان نظام آوایی آن را با نظام آوایی فارسی میانه یکسان شمرد. آباده طشک جزو استان فارس که در شرق شهر شیراز، شهری است واقع در ساحل دریاچه بختگان (دریاچه‌ای نمکی به مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع) و دریاچه طشک در استان فارس، بین شهرستان‌های آباده، مرودشت، شیراز، استهبان و هم چنین بخش مرکزی محدود است که به مناسبت یکی از روستاهای نزدیک آن به نام "طشک" و هم چنین به دلیل مجاورت دریاچه نرگس یا طشت به این نام معروف شده است (احمدخانی، ١٣٩٨. ٣و ٤).

٢. ٤. واج‌شناسی زایشی

در این بخش با توجه به اهمیت واج‌شناسی زایشی که از دیدگاه های متداول در این چند دهه بوده است، به ذکر توصیفی مختصر از آن پرداخته می شود. در واج‌شناسی زایشی توالی آوایی زیرساختی، با استفاده از قواعد گشتاری به روساخت تبدیل می‌شود و برون داد آن

صورت آوایی را ، سخنگویان زبان به صورت عینی تولید می‌کنند. هدف دستور زایشی تهیه کردن ساده‌ترین دستور ممکن برای زبان است و سادگی در واج‌شناسی از طریق تعداد نشانه هایی که برای بازنمایی زیرساختی است و همین طور قواعدی که بتوان آن ها را به بازنمایی آوایی ارتباط داد، اندازه‌گیری می‌شود. در واج شناسی زایشی، هر قاعده واجی از سه بخش تشکیل شده است الف. بخش آوایی که تغییر می‌کند؛ ب. چگونگی تغییر و ج. محیط یا بافت آوایی خاصی که تغییر واجی در آن صورت می‌گیرد.

۵.ارائه و تحلیل داده‌ها

۱.۵. معرفی همخوان‌ها و واکه‌های گویش آباده طشک

نظام واکه‌ای در گویش آباده طشک شامل واکه‌های/o/e/a/ (واکه‌های کوتاه) و/ū/i/ā/ (واکه‌های بلند که این شش واکه‌ها با واکه‌های زبان فارسی معیار یکسان است) و چهار صوت /ow/oy/ey/ay/ (واکه‌های مرکب) هستند. البته در فارسی رسمی واکه مرکب «ow» به صورت «ov» تلفظ می‌شود و واکه مرکبی بوده که از قدیم در زبان فارسی وجود داشته است. مانند zöwγ ذوق که در گویش آباده‌طشک و دماوندی به شکل zowγ تلفظ می‌شود. همچنین واکه مرکب «ey» واکه ی قدیمی دیگری در زبان فارسی بوده است مانند واژه‌های dey - دی و mey - می. اما نجفی سال‌ها پیش مرکب بودن دو واکه ey – اِی و ow – اُ را در فارسی معیار رد کرده بود(۸۷،۹۸ ، ۱۳۵٦).

واکه‌های گویش آبادهٔ طشک به صورت زیر است:

a واکه‌ای است پیشین، گسترده، باز

ā واکه‌ای است پسین،گرد، باز

ūواکه‌ای است پسین،گرد، بسته

O واکه‌ای است پسین،گرد، نیمه بسته

iواکه ا ی است پیشین، گسترده، بسته

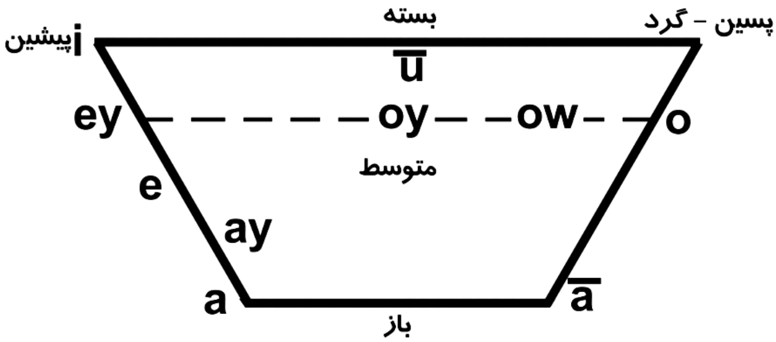
eواکه‌ای است پیشین، نیمه گسترده، نیمه بسته

ayواکه‌ای است پیشین،گسترده، باز

oyواکه‌ای است پسین، نیمه بسته،گرد

owواکه‌ای است پسین، گسترده، باز

جدول دستگاه واکه‌های گویش آباده طشک



در این گویش به مانند زبان فارسی معیار ۲۳ همخوان دیده می‌شود و همخوان «ژ» (Ž) (به مانند گویش علامرو دشتی، از گویش‌های جنوب استان فارس) بیشتر با صدای همخوان j در آغاز نام‌های خاص مثل (jilā – جیلا.jāle– جاله به کار می‌رود) جز در آغاز اسم‌های خاص (ژاله، ژیلا و غیره) در آغاز واژه‌های دیگر کاربرد ندارد و یا در موارد اندک، در وسط واژه به کار می‌رود. مانند rāždūne–رازیانه. در مجموع، این همخوان در گویش مورد نظر کاربرد اندکی دارد. هم چنین در این گویش همخوان «ع» عربی وجود ندارد و تلفظ نمی‌شود. برای نمونه در واژه های "jafar–جعفر، ʔāmū – عمو، ʔelm– علم" ، "ع" در وسط کلمه به کلی حذف میشود و در اغاز کلمه هم صدای چاکنایی ʔ تلفظ می شود.

دیگر این که در این گویش، همخوان‌های گرفته شده از عربی یا ترکی مانند (ع، غ، ق، ح) هنگام گفت و گو به کار نمی رود و به جای این همخوان‌ها، همخوان های فارسی جانشین می‌شوند. مثلا به جای «غ» عربی « γ» فارسی و یا ایرانی شرقی، به جای «ق» همخوان « γ» و به جای «ح» همخوان «h» به کار می‌رود.

همخوان‌های گویش آباده طشک به شرح زیر هستند: p, b, t, d, k, g, ʔ, .γ, f ,v, s ,š, z, ž, x, h, č, j, r, l, m, n, y

/ʔ/ در زبان فارسی و گویش آباده‌طشک، در آغاز کلمات قرار گیرد و اصولاً هیچ واژه‌ای در این زبان با واکه شروع نمی‌شود و باید توجه داشت کلمات نظیر آن جا، ایران، ابر، اردک و مانند این‌ها در ظاهر با واکه شروع می‌شوند، از نظر آواشناسی یک همزهٔ مقدم بر واکه دارند که

این همزه، واج اول آن ها به شمار می‌آید. بنابر این کلمات یاد شده را به ترتیب چنین آوانگاری می‌کنند:

آن جا –ʔānjā ابر –ʔabr ایران – ʔirān اردک – ʔordak .

جدول دستگاه همخوان‌های گویش آباده طشک

محل تولید نحوهٔ تولید	دولبی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی – کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	چاکنایی یاحلقی
انفجاری (انسدادی)	p b		t d				K g	γ	ʔ
سایشی		F v	S Z		Ž š			x	h
انسدادی – سایشی					J č				
غلطان (لرزشی)				r					
کناری				l					
خیشومی	m			n					
نیم واکه (روان)						y			

-توزیع واج‌ها

الف-توزیع همخوان‌ها همهٔ همخوان‌های گویش آباده طشک می‌توانند در اول، وسط و آخر هجا قرار گیرند. به جز همخوان «h» که در آخر هجا نمی‌آید. مانند čāh – چاه čā.

ب-توزیع واکه‌ها همهٔ واکه‌های گویش آباده طشک می توانند در وسط و آخر هجا قرار گیرند.

۲.۵. ساختمان هجا

ساختمان هجای هر زبانی با توجه به قواعد واجی آن زبان ترکیب‌هایی از واج‌ها را جایز می‌داند و در برخی موارد محدودیت‌هایی را برای این ترکیب‌ها قائل می‌شود. ساختمان هجا در زبان فارسی عبارت از یک رشته آوایی پیوسته است که از یک واکه و یک تا سه همخوان

تشکیل می‌یابد، واکه به منزلهٔ مرکز یا هسته یا محور هجاست و همخـوان در حکـم حاشـیه آن است(نجفی، ۱۳۹۰ ٦٥). هجاهای این گویش، همانند هجاهای زبان فارسی معیار است. صـرف نظر از کوتاهی و یا بلندی و یا باز یا بسته بودن واکه آن می توان به سـه گـروه cv، cvc و cvcc تقسیم نمود. مانند pā، pir، pors . بنابراین از نظر ساختمان هجا این گویش تفاوتی با فارسـی معیار ندارد.

فارسی	گویش آباده طشک
/cv/	/cv/
/cvc/	/cvc/
/cvcc/	/cvcc/

۳.۵. تفاوتهای آوایی در واژگان متفاوت در آباده طشک و فارسی

واژه‌های این گویش را در مقایسه با واژه‌های فارسی رسمی به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف- گروهی که کاملاً متفاوت هستند. مانند

فارسی	گویش آباده طشک
پدر	*bowo*
خواهر	*dedє*
برادر	*kākā*

طبق بررسی های به عمل آمده، واژه هایی که مرتبط بـا روابـط خـانوادگی و خویشـاوندی هستند در این گروه قرار می گیرند و این واژگان در مقایسه با واژگـان فارسـی کـاملاً متفـاوت هستند.

ب – گروهی که کاملاً یکسانند ، مانند

فارسی	گویش آباده طشک
درد	*dard*
سرد	*sard*
تاریک	*tarik*

پ- گروهی که باهم تفاوت آوایی دارند ،این تفاوت‌ها دارای انواع زیر است:

۱- تفاوت در نوع صداها که خود به دو گروه تقسیم می شوند:

الف- تفاوت در واکه‌ها که عبارتند از:

/$\bar{a}$/ فارسی پیش از همخوان‌های خیشومی /m/ و /n/به /$\bar{u}$/تبدیل می گردند.

$\bar{a} \rightarrow \bar{u}$ /[همخوان های خیشومی]

	فارسی	گویش آباده طشک
جان	$J\bar{a}n$	$J\bar{u}n$
شام	$\check{s}\bar{a}m$	$\check{s}\bar{u}m$
شانه	$\check{s}\bar{a}ne$	$\check{s}\bar{u}ne$
جامه	$J\bar{a}me$	$J\bar{u}me$

/$\bar{a}$/ فارسی پیش از همخوان /h/در آباده طشک به همان شکل است، و /h/ نیز می افتد

$$\bar{a} \rightarrow a/[h]$$

	فارسی	گویش آباده طشک
راه	$r\bar{a}h$	$r\bar{a}(h)$
کلاه	$kol\bar{a}h$	$kol\bar{a}(h)$
کاه	$k\bar{a}h$	$k\bar{a}(h)$

/a/فارسی پیش از همخوان /b/در برخی موارد به واکه مرکب /ow/تبدیل می‌شود، و /b/ نیز می افتد، $a \rightarrow ow/[b]$

	فارسی	گویش آباده طشک
لب	Lab	Low
آب	$\bar{a}b$	ow
شب	$\check{s}ab$	$\check{s}ow$
تب	tab	tow
سبز	$sabz$	$sowz$
کبک	$kabk$	$kowk$

/a/فارسی مقابل /e/ گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
آهن	*āhan*	*āhen*
حنا	*harā*	*hena*

/*a*/فارسی در این گویش از آغاز کلمه زیر می‌افتد:

	فارسی	گویش آباده طشک
انار	*anār*	*nār*

/*o*/فارسی مقابل /*e*/ این گویش در بعضی واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
دشمن	*došman*	*dešman*
بلند	*bolanc*	*belan*
دختر	*doxtar*	*dextar*
ظلم	*zolm*	*zelm*

/*o*/فارسی مقابل /*ā*/این گویش در بعضی از واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
خنک	*xonak*	*xānek*
کهنه	*kohne*	*kāne*

/*ū*/فارسی مقابل /*i*/ این گویش در بعضی از واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
سوزن	*sūzan*	*sizan*
جوجه	*Jūje*	*Jije*

/*ū*/فارسی مقابل /*o*/گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
سوختن	*sūx*tan	*sox*tan
دوختن	*dūx*tan	*dox*tan

/*i*/فارسی مقابل /*e*/ گویش آباده طشک در برخی واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
ریختن	*rix*tan	*rex*tan
بیختن	*bix*tan	*bex*tan

ب- تفاوت در نوع همخوان‌ها

/*b*/فارسی مقابل / *f* / و /*v*/ گویش آباده طشک در واژه‌ی زیر:

	فارسی	گویش آباده طشک
ضبط	*zabt*	*zaft*
تبر	*tabar*	*ta*var
بر	*bar*	var

/ *d* /فارسی مقابل /*t*/گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

	فارسی	گویش آباده طشک
لگد	*lagad*	*laqat*

/ *d* /فارسی در پایان بعضی واژه‌های این گویش می‌افتد:

	فارسی	گویش آباده طشک
چند	*čand*	*čan*
بلند	*boland*	*belan*
زود	*zūd*	*zi*
بند	*band*	*ban*
خواند	*xānd*	*xon*

/ *f* /فارسی مقابل /*b*/ این گویش در بعضی واژه ها

	فارسی	گویش آباده طشک
نصف	*nesf*	*nesb*

/*h*/فارسی مقابل /*x*/ این گویش در بعضی از واژه ها

	فارسی	گویش آباده طشک
بهتر	*behtar*	*bextar*

/*r*/فارسی مقابل /*l*/ گویش آباده طشک در بعضی واژه ها

	فارسی	گویش آباده طشک
قیر	*qir*	*qil*
شکار	*šekār*	*šekāl*
کرک	*kork*	*kolk*
برگ	*barg*	*balg*
زهره	*zahre*	*zahle*

حذف /*t*/ فارسی در پایان بعضی از واژه های گویش آباده طشک

	فارسی	گویش آباده طشک
راست	*rāst*	*rās*
خواست	*xāst*	*xās*
پوست	*pūst*	*pūs*
دست	*dast*	*das*
مست	*mast*	*mas*

٤.٥.فرایندهای آوایی در گویش آباده طشک

واحدهای آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب دستخوش تغییراتی می‌شوند. این نـوع تغییـرات را فرایندهای آوایی گویند. دگرگونی های آوایـی فارسـی در فارسـی باسـتان ،فارسـی میانـه و فارسی جدید وجود داشته است که می توان به مواردی اشاره کـرد حـذف برخـی از واج هـا، ابدال(تبدیل برخی از واج ها به واج های دیگر) ،افزایش واکه یا در آغاز واژه و یا در میـان دو همخوان ،قلب (جا به جایی واج ها) و یا حتی در برخی از واژه ها بیش از یک دگرگـونی رخ می دهد، مانند(ابدال و حذف، ابدال و قلب، قلب و حذف و ...) در این گویش ماننـد همـه ی زبان ها تحولات آوایی نام برده صورت می گیرد (بی جن خان، ١٣٨٤ ١٨٥).

در گویش آباده طشک دگرگونی های آوایی آشکاری روی مـی دهـد؛ بـدین سـان کـه در بسیاری از واژه‌ها همخوانی به همخوان دیگـر «بـدل » مـی شـود یعنـی در آن هـا «ابـدال» رخ می‌دهد و یا برخی از همخوان ها می افتد یعنی «حذف» در آن‌ها صورت می گیرد و در بعضی دو همخوان جا به جا می شوند یعنی در آنها «قلب» روی می دهد..

نمونه‌هایی از انواع تغییر ات آوایی در زیر ارائه می‌گردد:

۱.٤.٥.حذف

«یکی از مهم‌ترین تحولات صوتی فارسی، حذف برخی از واج‌هاست. حذف واجی در مواضع مختلف یعنی آغاز، میان و پایان واژه ها رخ داده است» (باقری، ۱۳۷٦ ۱٤۰). فرآیند حذف برخی از همخوان ها در گویش آباده طشک:

۱-حذف آغازین

حذف a در آغاز واژه

انار $an\bar{a}r = n\bar{a}r$

آتش. $\bar{a}ta\check{s} = ta\check{s}$

۲-حذف میانین

حذف d درمیان واژه

گندم $gandom = gannen$

رودخانه $r\bar{u}dx\bar{a}ne = r\bar{u}x\bar{u}ne$

حنابندان . $han\bar{a}band\bar{a}n = hen\bar{a}bar\bar{u}n$

۳-حذف پایانی (به دلیل فرآیند سایشی‌شدگی در زبان اتفاق افتاده است)

-حذف t درگروه st

ماست $m\bar{a}st = m\bar{a}s$

دست $dast = das$

هست $hast = has$

- حذف t در گروه $\check{s}t$

داشت $d\bar{a}\check{s}t = d\bar{a}\check{s}$

گذاشت، نهاد $he\check{s}t = he\check{s}$

- حذف d در گروه nd

بلند $boland = belan$

بند $band = ban$

گوسفند *gūsfand= gosban*

– حذف z در پایان واژه بعد از واکه ها

چیز $\check{c}iz = \check{c}i$

امروز $emrūz = emrū$

هنوز. $hanūz = hanū$

– حذف h در پایان واژه بعد از واکه ها

گاه. $gāh = ga$

– حذف حروف ساکن به ویژه در پایان واژگان

کتف $ketf = kat$

دوغ $duq = du$

تلخ $talx = tal$

سست. $sost = ses$

۲.٤.۵.ابدال (تبدیل)

«گاهی در یک واژه، یک واج به واج دیگری مبدل می‌شود، بی‌آنکه بتوانیم برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی یا دگرگونی توجهی بیابیم« (باقری، ۱۳۷۸ ۱۲۰). دکتر معین ذیل واژه ابدال چنین آورده است »بدل کردن، تاخت زدن، به جای چیزی گرفتن یا دادن یا گذاشتن. قرار دادن حرفی به جای حرف دیگر برای دفع ثقل و سنگینی. یکی از اقسام نه‌گانه وقف مستعمل چون تبدیل تاء به ها در رحمت و رحمه»(معین، ۱۳۸۵ ٦۳). ملک الشعرا بهار، ابدا ل حرفی به حرف دیگر را از نوامیس تطور هر زبان می‌داند (بهار، ۱۳۸۸ ۲۳۰). بهار، دلایل این فرایند واجی را چنین بیان می‌کند «...هرگاه توجه و نگاهداری و تهیه قوانین و آیین‌ها و دستورهای علمی در کار نباشد به تدریج لغات و ترکیبات و اصوات و آخرالأمر حروف یک زبان از میان می رود، غالباً یک حرف جای یک حرف دیگر را می گیرد و صوتی به جای اصوات می نشیند...» (بهار، ۱۳۸۸ ۲۳۰).

همگونی گاهی یک واکه یا همخوان در اثر همنشینی با همخوان دیگری، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان یا واکه

مجاور خود را می‌پذیرد. همگونی بر دو بخش همگونی همخوان‌ها و همگونی واکه‌ها تقسیم می‌شود

–تبدیل r به l (تبدیل واج لثوی واکدار به جفت بی واک خود صورت گرفته است)

ضرر $zarar = zalal$

تار، تار مو $t\bar{a}r = t\bar{a}l$

قیر $\gamma ir = \gamma il$

برگ $barg = balg$

– تبدیل b به v (تبدیل واج انسدادی (گرفته) به واج سایشی یا غلتی)

تبر $tabar = tavar$

خبر $xabar = xavar$

باز $b\bar{a}z = v\bar{a}z$

– تبدیل b به f (تبدیل واج انسدادی (گرفته) به واج سایشی یا غلتی)

نبش $nab\check{s} = naf\check{s}$

ثبت $sabt = saft$

ضبط $zabt = zaft$

طناب. $tan\bar{a}b = tan\bar{a}f$

– تبدیل f به واکه ow

افسار $afs\bar{a}r = ows\bar{a}r$

درفش. $deraf\check{s} = derow\check{s}$

– تبدیل واکه کوتاه a به واکه بلند $\bar{a}$

عمو $am\bar{u} = \bar{a}m\bar{u}$

عروس $ar\bar{u}s = \bar{a}r\bar{u}s$

– تبدیل واکه i به e

ریسمان $rism\bar{a}n = resm\bar{a}n$

$rix\tan = rex\tan$ ریختن

$bix\tan = bex\tan$ بیختن.

۳.٤.۵.قلب

اصطلاح قلب در زبانشناسی برای اشاره به تغییر در ترتیب عادی عناصر به کار می‌رود، به طوری‌که در زنجیره آوایی، ترتیب خطی xy به صورت yx درمی‌آید (هیوم، ۲۰۰۱ ۲۵). قلب هم در گفتار زبان آموزان و هم در گفتار گویشوران بومی رخ می‌دهد و زمانی که صورت رایج شد و به طور مرتب از سوی گویشوران زبان به کار رفت منجر به تغییر واژگانی می‌شود. در اغلب موارد یک همخوان روان و یک واکه در این روند دخالت دارند (آرلاتو، ۱۹۸۱ ۱۲۷). و نظام واجی زبان به ناگزیر برای رفع مشکل و تضمین سهولت تلفظ از این فرایند آوایی بهره می‌برد. در گذشته فرایند قلب را پدیدهای بی قاعده و منحصراً نشأت گرفته از اشتباهات کنشی، زبان کودکان یا تغییرات آوایی می‌دانستند و این دیدگاه در بسیاری از منابع زبانشناسی نیز ذکرشده است (هیوم، ۲۰۰۱ ۷۷). قلب در مواردی مانند اشتباهات کنشی، لغزش‌های زبانی و جابه‌جایی آواها نیز قابل رویت است.

در گویش آباده طشک برخی واژگان دو هم خوان جا به جا می شوند یعنی در آن ها «قلب» روی می دهد.

- جا به جایی f با l $\gamma ofl=\gamma olf$ قفل.
- جا به جایی z با r $nazr=narz$ نذر.
- جا به جایی t با r $\check{c}atr=\check{c}art$ چتر، $atr=art$ عطر.
- جا به جایی k با s $aks=ask$ عکس.
- جا به جایی s با x $nosxe=noxse$ نسخه.
- جا به جایی t با l $satl=salt$ سطل.
- جا به جایی f با q $saqf=safq$ سقف.

٤.٤.۵.افزایش

گاهی تحت شرایطی، یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود. فرایند اضافه، تابع قواعد نظام صوتی زبان است. هرگاه در ترکیب آواها با هم، نوعی همنشینی بین واحدهای

زبانی به وجود آید که براساس طبیعت آوایی زبان، ثقیل باشد یا بر خلاف نظام صوتی زبان باشد، برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار افزوده می‌شود (حق شناس، ۱۳۹۳ ۱۵۹). رایج‌ترین نوع این فرایند را می‌توان افزایش همخوان‌های میانجی ذکر کرد که به دلیل التقای واکه‌ها رخ می‌دهد (قلی فامیان و بصیرت، ۱۳۹۳ ۹۸). «دلیل افزایش واج میانجی را می‌توان سهولت تلفظ دانست؛ چراکه امکان تلفظ دو واک؛ پشت سر هم ناممکن یا دشوار است (نمیرانیان و آقایی، ۱۳۸٦ ٦۷).

– افزایش g به پایان واژه

$ney = neyg$ نی.

– افزایش واکه کوتاه e به آغاز واژه

$e\check{s}kam$ باردار،آبستن

$e\check{s}nof$tan شنیدن

$e\check{s}mordan$ شمردن.

۵. نتیجه‌گیری

گویش‌های ایرانی بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور هستند و نگهداری و نگهبانی و بهره برداری از این گویش ها به عهده ی کسانی است که بر فرهنگ ایران دلبستگی دارند. این گویش‌ها، به مثابهٔ آیینهٔ تمام نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنهٔ وسیعی از ایران زمین می‌زیستند و به راستی سرمایهٔ بسزا و نیکی است که در بر دارندهٔ هویت ملت ماست. گویش آباده طشک برگرفته از گویش لری وگویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که هر دوی آن‌ها (زبان لری و زبان فارسی) دنبالهٔ پارسی میانه هستند. امروزه گویش لری در منطقه آباده طشک کم و بیش در حال منسوخ شدن است و هر چند در لهجهٔ فارسی مردمان آباده طشک اثر گذشته است اما دیگر به گویش لری کسی گفت و گو نمی‌کند. گسترش تکنولوژی و رشد وسایل ارتباط جمعی و پدیده مهاجرت روستاییان به شهرها، گویشوران از روی اجبار یا حتی میل، بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند؛ در نتیجه

این رویدادها، گویش‌ها در معرض فراموشی و خطر نابودی قرار می‌گیرنـد. بنـابراین ضـروری است که با مطالعه و پژوهش‌های پی در پی این گویش‌ها گردآوری و ثبت شوند.

بر اساس آن چه گفته شد، موارد زیر را می‌توان به عنوان نتیجهٔ بحث، مطرح کرد:

- تعداد همخوانهای گویش آباده طشک و فارسی یکی است اما لزما توزیع یکسانی ندارنـد . تعداد و کیفیت واکه های کوتاه و بلند ساده در اباده طشک مانند فارسی معیـار اسـت امـا در این گویش سه واکه مرکب نیـز وجـود دارد. هجاهـای گـویش آبـاده طشـک، هماننـد هجاهای زبان فارسی معیار است. صرف نظر از کوتاهی و یا بلندی و بـاز یـا بسـته بـودن واکه، می‌توان انها به سه گروه cv، cvc و cvcc تقسیم نمود.
- واژه‌های گویش آباده طشک را در مقایسه با واژه‌های فارسی رسمی به سه گروه مـی‌تـوان تقسیم کرد گروهی کاملاً متفاوت،گروهی کاملاً یکسان و گروهی که با هم تفـاوت آوایـی دارند که این قسمت خود به دو بخش الف) تفاوت در همخوان‌ها و ب)تفاوت در واکه‌ها تقسیم می‌گردد.
- بر اساس بررسی‌های انجام شده، در فرآیندهای آوایی گویش آباده طشک، دگرگونی‌های آوایی آشکاری روی می‌دهد؛ بدین‌سان که در بسیاری از واژه‌هـا همخـوانی بـه همخـوان دیگر بدل می‌شود یعنی در آن‌ها «ابدال» رخ مـی‌دهـد، در برخـی از واژه‌هـا، همخـوان می‌افتد یعنی «حذف» در آن ها صورت می‌گیرد، در بعضی از واژه‌ها دو همخوان جا به جا می‌شوند یعنی در آنها «قلب» روی مـی‌دهـد و در بعضـی از آن‌هـا یـک همخـوان اضـافه می‌شود یعنی در آن ها «افزایش» رخ می‌دهد.

منابع

۱- ایزدپناه ،حمید. (١٣٦٣). *فرهنگ لری* . چاپ دوم. تهران: آگاه.

۲- آرلاتو، آنتونی . (۱۳۷۳). درآمدی بر زبان شناسی تاریخی. ترجمهٔ یحیی مدرسـی، تهـران : سمت.

۳- احمدخانی، محمدرضا و لطیفی، آناهیتا. (۱۳۹۸). بررسی برخـی از فراینـدهای واجـی در گویش بروجردی در مقایسه با فارسی معیاربـا تلفیقـی از رویکـرد واج شناسـی زایشـی و نظریه بهینگی. *فصل نامه مطالعات زبان ها و گویش های غرب ایران، دانشـکده ادبیـات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۷* (٢٤).

٤- باطنی ،محمد رضا . (١٣٦٤). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
٥- باقری، مهری. (١٣٧٦). *تاریخ زبان فارسی* . تهران: قطره .
٦- ___________ (١٣٨٨). *تاریخ زبان فارسی*. چاپ چهاردهم. تهران: قطره.
٧- بهار، محمدتقی. (١٣٨٨). *سبک شناسی یا تطور نثر فارسی*. چاپ سوم، جلد اول. تهران: زوار.
٨- بی جن خان، محمود. (١٣٩٤). *واج شناسی (نظریه بهینگی)*. تهران: سمت.
٩- ثمره، یدالله . (١٣٦٤). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
١٠-حاجت پور، حمید. (١٣٨٢). *زبان تالشی (گویش خوشابر)*. دوشنبه: ناشر دیوشتیچ .
١١-حق شناس، علی محمد. (١٣٥٦). *آواشناسی* . تهران: آگاه .
١٢-رضایی،جمال .(١٣٧٧). *بررسی گویش بیرجند(واج شناسی – دستور)*. انتشارات هیرمند .
١٣-صفوی، کوروش. (١٣٦٠). *درآمدی بر زبان شناسی*. تهران: بنگاه و ترجمه و نشر کتاب.
١٤-قلی فامیان، علیرضا و بصیرت، وحید. (١٣٩٣). تحلیل فرایندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی. *فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهرا*، ٦ (١٣).
١٥-کلباسی ،ایران. (١٣٨٨). *فرهنگ توصیفی گونه های زبانی ایرانی*. چاپ اول. تهران : پژوهشگاه علوم انسانی.
١٦--لایارد سراوستن هنری و دیگران. (١٣٧١). *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*. ترجمهٔ مهراب امیری. تهران: فرهنگ سرا.
١٧-مشکوه الدینی ، مهدی. (١٣٦٤). *ساخت آوایی زبان*. چاپ چهارم. مشهد: آستان قدس.
١٨-معین، محمد. (١٣٨٥). *فرهنگ فارسی یک جلدی*. عزیزالله علیزاده (گردآورنده). چاپ سوم. تهران: راه رشد.
١٩-مقیمی، افضل. (١٣٧٣). *بررسی گویش بویر احمد و...* . چاپ اول. شیراز: نوید شیراز .
٢٠-ناتل خانلری ،پرویز. (١٣٧٣). *دستور تاریخی زبان فارسی*. چاپ سوم. تهران: توس .
٢١-_____ (١٣٨٧) . *تاریخ زبان فارسی (سه جلد)*. چاپ هفتم. تهران : فرهنگ نشر نو.
٢٢-نمیرانیان، کتایون و آقایی، جعفر. (١٣٨٦). بررسی آواشناسی گویش کوردهی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ٢٦ (٤).

۲۳-وحیدیان کامیار ، تقی. (۱۳۷۰). *حرف های تازه در ادب فارسی*. چـاپ هفـتم. دانشـگاه اهواز .

۲٤-__________ (۱۳۷۹). *نوای گفتار در فارسی*. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۵-همتی ، ابوذر. (۱۳٦۹). *فرهنگ تطبیقی واژگان گویش لری ممسنی با واژگان فارسی نـو و میانه*. پایان نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه شیراز .

۲٦-یاوریان ، اکبر. (۱۳۸۵). *واژنامه لری*. چاپ اول. خرم آباد: افلاک .

۲۷-روبینز، آر اچ. (۱۳۸۱). *تاریخ مختصر زبان شناسی*. ترجمهٔ علی محمد حق شناس، تهـران: بی نا.

28- Samarin, W. J.(1967). *Field Linguistics A guiding linguistic fieldwork*. New York: NY Holt, Reinhart, & Winston.

29- *Yule, G. (1996). The Study of Language.* Cambridge University Press.

Investigation of phonetic processes in Abadeh Tashk dialect in comparison with ◌ٔtandard Persian Using Generative phonology

Faranak Ramezani
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht, Iran

Received:04/04/2021 Accepted: 10/10/2021

Abstract

The purpose of this study is a contrastive analysis of grammer loss, addition, or change of voice adjectives, noun governing the genitive and noun in the genitive, number, pronouns, infinitives, affixes, verb and sealence usage, the place of stress and the comparison of words. For each mentioned case illustrative examples are offered.(people who live in Abadeh tashk are from lashani tribe which is one of loriوs tribes).In fact,this article intend to compare Lori and Farsi. The dialect of Lori which is the deep structure of the dialect of Abadeh tashk is closely related to modern Farsi. regarding grammatical and Lexical structure. The dialect of the village of Abadeh tashk undergoes clear pheonological change. In many words a consonant is changed to another consonant, that is, it undergoes alteration, or some consonants are omited that is, elision occurs. In some words, two consonants replace each other that is reversal happens in them. In some other cases are in a word insertion happens. It sometimes happens that in a word more than one change occur, In other words, elisionand reversal. Alteration and reversal, alteration and insertion and or all happen to gether. In the dialect under study,in most case elision,alteration. Reversal, increase and elision and reversal happen.

Keywords: Phonological Change, Dialect of Abadeh Tashk, Persian Language, Phonological Processes, Dialectology